

## تأملاتی در آیه ازدواج به مناسبت روز ازدواج

برخی مفسرین گفته اند مودت محبت قلبی و رحمت محبت عملی است، یعنی دوست داشتن فقط در درون انسان نباید باقی بماند بلکه باید ظهور کند و ابراز شود و در عمل نشان داده شود.



برخی مفسرین گفته اند مودت محبت قلبی و رحمت محبت عملی است، یعنی دوست داشتن فقط در درون انسان نباید باقی بماند بلکه باید ظهور کند و ابراز شود و در عمل نشان داده شود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه رضا کریمی: آیه وَ مِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم ۲۱) مهم ترین آیه ازدواج است و در عین اختصار دارای لایه هایی پنهان و کمتر گفته شده است که برای درک آن نیازمند تدبر و تفسیر قرآن به قرآن هستیم.

این آیه چند پیام مهم دارد:

۱. قانون زوجیت را خدا برای غیر خدا قرار داد. بر اساس آیه وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (نبا ۸) و آیه فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ (شوری ۱۱)، فقط خداست که مثل و کفو ندارد. از ترتیب و توالی جمله «&hellip;ازواجاً» با لیسَ کَمِثْلِهِ شَيْءٌ که در یک سیاق قرار گرفته اند چه نتیجه ای باید گرفت؟ زوج بودن چه ربطی به مثل نداشتن خدا دارد؟ این زوجیت از تفاوت های مهم خدا با غیر اوست: هرکس همسر نمی خواهد یا به مجرد اعتقاد دارد به قانون زوجیت پشت کرده و ادعای خدایی دارد! وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

۲. ازدواج ما «خلق شده» اند و ازدواج یافتن این ازدواج خلق شده است. برای ازدواج باید جست و جوگر باشیم. ازدواج زندگی در مسیر قانون زوجیت ذیل خلق و جعل الهی است و یافتن است نه ساختن.

۳. تفکر عامل درک آیات پنهان در ازدواج است. کسی که اهل تفکر نباشد قدر اثر خلق و جعل الهی را نمی داند. ازدواج برای چنین کسی صرفاً یک رابطه جنسی یا خوش گذرانی دنیوی یا نهایتاً رفیق بازی و عشق زودگذر است.

۴. راه یافتن این ازدواج، خودشناسی و کفوشناسی است؛ «من انفسکم» ضابطه همسریابی موفق است. تعبیر «من انفسکم» دو سطح دارد یکی اینکه آن زوج از «نوع» شماست و همانند شما انسان است؛ زن انسان است نه موجودی درجه پایین تر از مرد. معنی دیگر «من انفسکم» این است که زوج از فرهنگ و بلکه از طبقه شما و بلکه از مزاج و طینت شماست. همان طور که عبارت رَسُوْلٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ (توبه ۱۲۸) فقط به معنی بشر مثلکم نیست بلکه هم زبان بودن هم هست؛ چنانچه که در قرآن در وصف مرسلین می خوانیم که وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُوْلٍ إِلَّا يَلْسَانٍ قَوْمِهِ (ابراهیم ۴).

همسر و هم نفس و زوج حقیقی انسان که خدا برای ما خلق کرده است را باید از راه همزبانی بشناسیم. همزبانی نزدیک به اصطلاحی است که امروزه روانشناسان به آن درک متقابل می گویند. اگر این هم زبانی را ذیل «من انفسکم» در نظر بگیریم، هم نفس بودن علاوه بر درک متقابل، شامل جنس و طینت مشترک هم می شود: الْحَيَّاتُ لِلْحَيَّاتِ وَ الْحَيَّاتُونَ لِلْحَيَّاتِ وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ (نور ۲۶)؛ البته هم نفس بودن به معنای مشابه بودن در جمیع جهات نیست. همان طور که رسولان هم نفس قوم خود بودند ولی با بسیاری اعتقادات و صفات آنها مخالف بودند. همسران و هم نفسان باید جهان و عالم مشترکی داشته باشند ولی چه بسا تفاوت درجات سبب تکامل و رشد در زندگی مشترک شود.

۵. راه دیگر شناخت همسر این است که عامل «سکینه» را بیابیم. چون با ازدواج با زوجی که «من انفسکم» باشد «لتسکنوا إليها» محقق می شود. وقتی با دیدار نفس انسان قرار و آرامش می یابد آنجاست که نشانه یافتن زوج آشکار شده است. البته برخی سکینه را با موارد متشابه خود اشتباه می گیرند؛ مانند آسایش، زیبایی و&hellip; اما سکینه آرامش و قرار است مانند آرامشی که در شب پیش از فعالیت روز وجود دارد. این سکون فقط جسمانی نیست بلکه قلبی هم هست و گفته می شود «سکون با حرف عند (که حرف مکان) است جسمانی و با حرف الی (که حرف غایت است) قلبی است» (مفاتیح الغیب، ج ۲۵۸؛ ۲۱۳، ص: ۹۲). برای شب تعبیر «فی» آمده: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ (یونس ۶۷) ولی در مورد ازدواج الیها آمده است.

۶. بخش اول آیه (تا لتسکنوا&hellip;) درباره پیش از ازدواج است. بخش دوم زندگی پس از ازدواج است که باید بین زوجین مودت و رحمت باشد. اگر کسی این دو را نداشته باشد قدر سکینه خود را نمی داند؛ وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (روم ۲۱). این دو کلمه رابطه بین زوجین را آنگونه که خدا قرار داده نشان می دهد پس کسی که این دو را رعایت نکند از مسیر اراده الهی خارج شده است. تفاوت مودت و رحمت چیست؟ مودت یعنی دوستی و رحمت را فارسی زبانان معمولاً ترجمه نمی کنند. پس تفاوت مودت و رحمت دقیقاً چیست که در دو واژه آمده است؟ چرا خداوند به یکی از این دو بسنده نکرده است؟

از متقدمین نقل شده است که مودت ارضای جنسی و رحمت تولد فرزندان است، ولی این تفسیر تطبیق و بیان مصداق است. برخی مفسرین گفته اند مودت محبت قلبی و رحمت محبت عملی است، یعنی دوست داشتن فقط در درون انسان نباید باقی بماند بلکه باید ظهور کند و ابراز شود و در عمل نشان داده شود. این مفسرین برای بیان تفاوت در قالب قلبی / عملی بودن شاهد و دلیل ذکر نکرده اند.

شاید بتوان گفت مودت مقابل عداوت و دشمنی است در حالی که رحمت گاهی از سر مداراست نه محبت و گاهی ظاهری غیرمهربانانه دارد اما نهایتاً خیرخواهانه است.

مودت یعنی دوستی کردن که مقابل عداوت یعنی دشمنی کردن است. ولی رحمت فراتر از دوستی کردن است و باید «واسعه» و همه گیر باشد و انواع خیرخواهی برای دوست و غیردوست را شامل شود. گاهی رحمت چهره ظاهراً مهربانی ندارد؛ هشدار نه چندان دل چسب، انتقاد سازنده، مخالفت کردن عاقلانه و&hellip; هم ظاهراً دوستی نیست ولی آن هم از سر دوست داشتن است مانند این آیه که رحمت به انذار منجر می شود: ° رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّكَ لِيُنذِرَ&hellip; (قصص ۴۶).

اگر این تفاوت را بپذیریم زوجین نباید نازک دل و زودرنج باشند و همیشه توقع روابط مطابق میل خود داشته باشند بلکه رحمت اقتضا می کند که گاهی انذار کنیم و خلاف میل همسر خود و به قصد خدمت به او چیزی بگوییم و کاری کنیم.

اینجاست که عشق بازی های افراطی و شعارهای غیرواقع بینانه در تعادل بین مودت و رحمت جای خود را به عشق حقیقی می دهند، البته در این آیه مودت بر رحمت مقدم است پس رحمت طلبی نباید سبب به حاشیه رفتن مودت شود بلکه همسران باید اول از همه مهربان باشند و جملات عاشقانه به هم بگویند و رفتارهای فداکارانه نشان بدهند. طبق این آیه ابتدا باید مهر و عشق را در ظاهر و باطن نشان داد و اگر لازم شد باید همچنان مهر و عشق را سرلوحه قرار داد ولی شاید با چهره ای متفاوت.